

## عنوان مقاله:

باز تعریف جامعه شناختی اصطلاح دموکراسی

## محل انتشار:

دهمین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

## نویسنده:

حسین ملکی - 1- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد نهاوند

## خلاصه مقاله:

از نیمه دوم قرن هیجدهم به بعد در جوامع غربی تدریجا واژه «دموکراسی» به امری شبه مقدس و در زمره مشهورات و مسلمات بدل گردید و از سال های پس از جنگ جهانی دوم این وجه شبه مقدس و در زمره مشهورات و مسلمات بودن دموکراسی به جوامع غرب زده استعمارزده و نیمه مستعمره نیز به صورت بسیار گسترده انتقال یافت. البته از اواسط قرن نوزدهم، استعمار مدرن سرمایه سالار به میان هر ملت غیرغربی و غرب زده که رفت اعم از غرب زده های مدرن یا شبه مدرن و نیز اعم از جوامع غرب زده ای که بعدها خود به رژیم های امپریالیستی سرمایه سالار تبدیل شدند (مثل چین) و یا آنها که به صورت مستعمره هایی با نظام های سرمایه سالاری پیرامونی باقی ماندند (مثل مصر، پرو، تایلند و...) به نحوی به ترویج دموکراسی به عنوان الگوی نجات بخش جوامع بشری و یک امر مسلم و مقبول و مشهور خدشه ناپذیر و غیرقابل تردید پرداخت. در کشور ما که تاریخی قریب به دو قرن کشمکش با استعمار مدرن و نیز میراث بیش از یک صد سال سلطه و سیطره «غرب زدگی شبه مدرن و مدرن» را دارد نیز این اصطلاح به عنوان هسته مرکزی نسخه نجات بخش برای رهایی از استبداد و بی عدالتی و حتی فقر و انحطاط و خلاصه هر چه تباهی و پلیدی است مطرح گردید و روشنفکران مدرنیست ایرانی از مشروطه به بعد به صورت گسترده و منظم و مستمر به تبلیغ و ترویج و تقدس سازی برای آن پرداخته اند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه از سال های پس از خاتمه جنگ، پروژه «تبلیغ و ترویج فراگیر و مستمر دموکراسی به عنوان راه حل همه مشکلات و رهایی از همه معضلات و دموکراسی را معادل «آزادی خواهی» دانستن و مخالفت با دموکراسی را معادل دفاع از استبداد نامیدن» و نظایر این مدعاها به صورتی بسیار وسیع تر و سازمان یافته تر از پیش، حتی از ناحیه جناحی از داخل جمهوری اسلامی و توسط جراید موسوم به «روشنفکری دینی» به موازات «روشنفکری آتیه نیست» (غیردینی و بی اعتقاد به خداوند متعال) در داخل کشور دنبال شد و هنوز نیز به انحاء مختلف این روند ادامه دارد. ویژگی مهم در تمامی اشکال به راه انداختن هیاهوی تبلیغاتی درباره دموکراسی و تقدس سازی برای آن، این است که در میان طیف گسترده مروجان و مبلغان و مدافعان دموکراسی (که کوشیده اند و می کوشند تا دموکراسی را به یک مشهور مورد پذیرش همه بدل نمایند) کمتر بحث و فحص و تحقیقی جدی در خصوص درک ماهیت دموکراسی و حتی فهم معنای آن صورت می گیرد و آنچه که از طریق برخی ژورنالیست ها و سیاستمداران و ایدئولوگ ها و روشنفکران و نویسندگان و... ارائه می شود، فاقد یک پرسش عمیق متفکرانه از چیستی و حقیقت دموکراسی است و عمدتا تکرار بیانی کلیشه وار و تبلیغاتی و سطحی و حتی وهم آلود و بی اساس و غلط از ماهیت و معنای این واژه است. در این مقاله می کوشیم تا به اجمال درباره ماهیت و معنای دموکراسی با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه ای سخن گوئیم.

## کلمات کلیدی:

دموکراسی، مردم سالاری، اکثریت، آزادی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1774757>



